



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

تبيين مظاهر بُت پرستی مدرن

استاد:

حجت الاسلام و المسلمین صدوق

گروه پژوهش‌های تطبیقی
حسینیه اندیشه

فهرست

- سیر گذشته (مقدمه)..... ۴
۱. بررسی پایگاه و جایگاه انقلاب و نسبت آن به آینده در حرکت تاریخی انبیاء و اکنون ۴
- ۱/۱. اصل بودن مبارزه عملی انبیاء عظام در اخلاق و روابط اجتماعی..... ۴
۲. بررسی بت پرستی مدرن..... ۴
- ۲/۱. اصالت دنیا به عنوان متغیر اصلی بت پرستی مدرن ۵
- ۲/۲. تبیین شاخصه اصلی بت پرستی مدرن..... ۵
- ۲/۳. شرکت‌ها و کارتلها، معابد بت پرستی مدرن ۵
- ۲/۴. گردش ارزی دلار، محور سجده بت پرستی مدرن..... ۶
- ۲/۵. نفی کرامت انسانی و حکومت سرمایه‌داران در بت پرستی مدرن..... ۶
- ۲/۶. هزینه بر نبودن تولید تحقیقات و تکنولوژی در مدیریت مدرن ۶
- ۲/۷. هزینه بر نبودن مواد خام در مدیریت مدرن..... ۷
- ۲/۸. ابزارهای قدرت، عامل تحقق سیاست‌های شرکت‌ها و کارتلها ۷
- ۲/۹. مروری بر مظاهر بت پرستی مدرن..... ۷
- ۲/۱۰. چگونگی شکل‌گیری الگوهای مصرفی و مدیریتی (نظام‌های طبقاتی)..... ۸
- ۲/۱۰/۱. حرص و حسد، وصف نظامات سرمایه‌داری..... ۸
۳. تنافی بت پرستی مدرن با راه و رسم انبیاء (ع)..... ۸
۴. وظیفه حوزه و دانشگاه در مقابل بت پرستی مدرن..... ۹

← تبیین مظاهر بت‌پرستی مدرن

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین صدوق

پیاده: برادر حسنوند

ویراست: برادر حیدری

فهرست: برادر انجم شعاع

تایپ: حجت‌الاسلام گودرزی

صفحه‌آرایی: نشر سمیم

تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۱۶

گروه پژوهش‌های تطبیقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر گذشته (مقدمه)

۱. بررسی پایگاه و جایگاه انقلاب و نسبت آن به آینده در حرکت تاریخی انبیاء و اکنون

حجت الاسلام والمسلمین صدوق: به دنبال حل معضلات اجتماعی و تعیین کردن جایگاهی که انقلاب در آن قرار دارد و سیری که طی کرده تا به وجود آمده و ارائه‌ی یک دیدگاه و دورنما از آینده و نسبت آن به امر انتظار و امر فرج حضرت ولی عصر (عج) [بودیم]. به بحث خداپرستی و شرک و کفر و طغیان رسیدیم که چگونه به اخلاق و روابط اجتماعی ربط پیدا می‌کند. برای پایگاه قدرت و پایگاه حول و قوه، اگر در حقیقت و جهان بینی و تکوین عالم یک امر گمراه کننده قرار بدهید تا مسائل اجتماعیتان کشیده می‌شود و اگر به حقیقتی دست پیدا کردید؛ می‌توانید همان را تا مسائل اجتماعی‌تان جریان دهید.

۱/۱. اصل بودن مبارزه عملی انبیاء عظام در اخلاق و روابط اجتماعی

در جلسه‌ی قبل موفق شدیم این مطلب را در اخلاق و روابط اجتماعی ملل گذشته که انبیاء عظام در مقابلشان قرار گرفتند، روشن کنیم. گفته شد اگر مردم کم‌فروشی و گران‌فروشی نمی‌کردند، در نظام و روابط اجتماعی آن زمان، جایی نداشتند. اگر مردم آن روز اهل لواط نبودند، در جامعه‌ی حضرت لوط منزوی بودند و شغل به آنها داده نمی‌شد و از قوم و قبیله‌شان منزوی بودند و حرکت اجتماعی و تحرک اجتماعی نداشتند.

۲. بررسی بت‌پرستی مدرن

حال می‌خواهیم بیشتر بت‌پرستی مدرن و دعوت به دنیا و اینکه بشر را به سجده بر دنیا واداشته‌اند باز کنیم. شیطان چه حيله جدیدی بکار برده است؟ امروز در ظاهر امر می‌بینیم که برای دفاع از معابد و مساجد و مراکز مقدس، کفار هم فریاد بلند می‌کنند و می‌گویند باید مردم آزاد باشند. دفاع از دینداری به عنوان حقوق فردی و روابط فردی وجود دارد. اما حکومت‌ها و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگ و مدیریت حاکم بر جهان و تمدنی که بر خواسته از رنسانس و هدیه‌ی غرب به بشر است، این تکلیفش چگونه است؟

۲/۱. اصالت دنیا به عنوان متغیر اصلی بت پرستی مدرن

آیا اگر ما سه مجموعه‌ی بزرگ مدیریت که حاصلش اخلاق می‌شود - و اندیشه‌ی بشری و اطلاعات و علوم - که حاصلش تعمیم و گسترده‌تر کردن و فراگیر کردن یک امر می‌شود - و تکنولوژی که حاصلش رفاه است - [برشمردیم] و این سه مجموعه یک دنیای یکپارچه را درست کرده‌اند، متغیرش در دهکده‌ی جهانی «دنیا» است یا «دین»؟ متغیر اصلی این تمدن، دنیاست یا دین؟ قطعاً دنیا است. آنهایی که آن را بوجود آوردند و برایش ریاضت کشیدند و همچنین آنهایی که مصرف کننده‌ی آن هستند، می‌دانند آثارش ارتباط به دنیا را سهل می‌کند، قطعاً آنچیزی که در دانشگاه‌های غرب در موردش فکر می‌شود دنیای مردم است و می‌خواهند ظرفیت ارتباط با دنیا را تغییر بدهند، مجموعه همیشه یک متغیر دارد و نمی‌تواند دو متغیر داشته باشد و دین را به نفع دنیا منحل می‌کند.

۲/۲. تبیین شاخصه اصلی بت پرستی مدرن

حال این سجده‌ی بر دنیا که شکل جدید پیدا کرده، شاخص اصلیش چیست؟ شاخص اصلیش این است که در قدیم، فریبی که برای سوار شدن و تحمیل هواهای خودشان بر مردم به آنها می‌زدند [این بود که] می‌گفتند: مبدأ قدرت، ماده است! حال می‌گویند: مبدأ قدرت، خاصیت و آثار ماده است! یعنی منطقی بدست آوردند که در آن منطق، می‌توانند آثار ماده را کنترل کنند! می‌توانند بمب اتمی و یا فضاپیما بسازند و از جو زمین خارج شده و در کره‌ی ماه بنشینند. تسخیرشان در طبیعت [به] این [وسیله] است. آنها توانسته‌اند امور را بالذات تعریف نکنند؛ یعنی امور را در گنش و واکنش تعریف می‌کنند و آثار ماده را تسخیر کرده‌اند. بشر را وادار به سجده‌ی بر آثار ماده کرده‌اند.

۲/۳. شرکتها و کارتلها، معابد بت پرستی مدرن

آن وقت معبد هایش، شرکتها و کارتل‌های بزرگ دنیاست! خیلی هم پیچیده است. معابدی به نامهای «تویوتا» و «شورلت» و «بوئینگ»، «فولکس واگن»، «رنو»، «پژو» داریم. شرکت‌های مختلف و متنوع که توانستند ابزارهایی مثل تلویزیون و رادیو و غیره درست کنند.

گاه فهم ما از توسعه، خرد و بچه‌گانه و گاه عمیق است. [می‌گویند:] حال چرا شما اینقدر بدبینانه برخورد می‌کنید! واقعاً دنیا به دنبال این مطلب هستند؟ بها دادن بشر به تکنولوژی در حدی است که جهان سومی‌ها برای به دست آوردن این ابزارها، در قراردادهایی که با این شرکت‌های بزرگ می‌بندند، تسلیم توصیه‌های سیاسی شرکتها و دولت‌های مربوطه می‌شوند. به شرطی با شما معامله می‌کنند که در رابطه‌ی سیاسی درگیر با اسرائیل نباشید. اگر درگیر باشید، با شما معامله نمی‌کنند یا سخت معامله می‌کنند یا به شما وام نمی‌دهند. یعنی اصل ارتباط، کمک کردن و صادر کردن تکنولوژی و علم و وام‌های کلان، به ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی‌ای که آنها بگویند مشروط می‌شود. اگر این کار را نکنید، نمی‌پذیرند و شما را منزوی می‌کنند. برای مردم هم این امر پذیرفته است که بچه‌هایشان را با دلارهای خودشان به خارج بفرستند که هم درس بخوانند و هم تجارت کنند و هم اداره بکنند و برای آنها کار کنند. همه‌ی هزینه‌ها را هم خودشان پرداخت می‌کنند، نه اینکه آنها کمک می‌کنند. حالا که برای تحصیل به خارج رفتند، پاسخ نیازی را می‌دهد که آنها می‌گویند. نیاز آنها برخاسته از دنیا است. قائل به آخرت نیستند، بلکه معتقدند هر چه به دست بیاورند، زندگی همین دنیا است.

۲/۴. گردش ارزی دلار، محور سجده بت پرستی مدرن

گردش پولهای دنیا، مقابل شش هزار میلیارد دلار آمریکا که در بانکها می‌چرخد، [به این معناست که] آن، خورشید ارزی می‌شود و بقیه‌ی ارزها در تعادل باید دور او بچرخند! این سجده کردن سرنوشت اقتصادی ملت‌ها حول دلار می‌شود. حالا ممکن است کسی بگوید؛ آنها زحمت می‌کشند، می‌گوییم: نه، تعریف دلار و پول سرعت گردش سود ضربدر سرمایه است! این یعنی ربا! سود ضربدر در زمان. اعتبارات به این صورت می‌گردد که سرعتش چقدر سودآور در زمان است. این است که قدرت پولی آمریکا را معین می‌کند. نظام سرمایه‌داری است، یعنی همه چیز باید به سرمایه تعریف شود. در تولید هم اصطلاحی به نام «صرفه‌جویی در مقیاس تولید برای تولید انبوه» دارند که دقیقاً این، براساس تضمین سود سرمایه می‌شود و امنیت‌تر برای نیروی انسانی بلکه برای سرمایه باشد.

۲/۵. نفی کرامت انسانی و حکومت سرمایه‌داران در بت پرستی مدرن

کرامت انسانی، متغیر در معادله چهار بازار نیست. یعنی این گونه نیست که بگویید سرمایه طوری بچرخد که کرامت انسانی حفظ شود یا نیروی کار طوری بگردد که کرامت انسانی حفظ شود یا تکنولوژی به نحوی تولید شود که کرامت انسانی حفظ شود.

بنابراین انسان هم مثل بقیه‌ی اشیاء، مثل کالا تعریف می‌شود. یک تکنولوژی جدید در نظام مدیریتی آمده که کارخانه را کامپیوتری اداره می‌کند. جمعیتی از نیروی انسانی، اضافه محسوب می‌شوند، می‌گویند: آنها را بیرون کنید و باز خریدشان می‌کنند. این یعنی انسان فدای سود سرمایه [شود]. حاصلش این است که طبقه‌ای بنام سرمایه‌داران بالا می‌آیند و بر بشر حاکم می‌شوند. سابقاً می‌گفتید آل سعود، آل بویه، آل مروان و... ۵۰۰ سال حکومت کردند و الان می‌گویید: شرکت «راکفلر». بیست رئیس جمهور عوض می‌شود، ولی عمر شرکت «فولکس واگن» ۲۰۰ سال است و می‌ماند. عمر شرکت «بوئینگ» ۱۰۰ سال یا عمر شرکت «فورد» ۱۵۰-۲۰۰ سال است.

۲/۶. هزینه بر نبودن تولید تحقیقات و تکنولوژی در مدیریت مدرن

حال چگونه تکنولوژی تولید می‌کنند؟ و چگونه تحقیقات می‌کنند؟ آنها برای تحقیقاتشان هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند! شما برای تحقیقات، باید هزینه سنگینی پرداخت کنید. چرا؟ جوانان دنیا در مقطع فوق لیسانس و دکتری، به وسیله «پایان نامه‌ها» تولید می‌کنند. اگر کسی پایه‌های تحصیلی و تحقیقاتیش در رده‌ی بالا نباشد، اصلاً به او اجازه‌ی پایان نامه‌نویسی نمی‌دهند. به گونه‌ای گزینش کرده‌اند و به گونه‌ای امتحان می‌گیرند که استعدادهای نخبه بتوانند وارد دانشگاه‌هایشان بشوند و آن نیازهایی را که دارند به اینها بدهند که تحقیقات اینها تولید شود. تازه منتهی هم بر سر دانشجویها می‌گذارند که ما هستیم که به تو مدرک می‌دهیم! خود دانشجو هم باید خرج تحصیلاتش را از لیسانس تا دکتری به دلار به آنها بپردازد. لذا هر تکنولوژی که در دنیا تولید می‌شود، هزینه تحقیقاتی‌اش، مجانی است و برای غرب، مفت در می‌آید. اینگونه نیست که به خاطر دانش و عشق به علم این را به بشر هدیه کنند! بلکه برای مدرک دادن به شما از شما پول می‌گیرند و هم گونه‌ای دانشجو را پرورش می‌دهند که در دوره دانشجویی شما نیاز تحقیقاتی‌شان، تولید شود و لازم نباشد که دانشجو در مراکز تحقیقاتی استخدام شود و بعد چیزی تولید شود.

۲/۷. هزینه بر نبودن مواد خام در مدیریت مدرن

اما در باب تولید تکنولوژی، مواد خام را از شما ارزان می‌خرند. یعنی مواد خامی که به آنها صادر می‌کنید، عملاً خارج کردن نیروی کار خودتان است و این ضرر اول است. شما باید می‌توانستید مواد خام را در کشور خود، تبدیل به مواد واسطه‌ای و مواد اولیه برای تولید تکنولوژی کنید. چون توان این کار ندارید، مواد (نفت، مس و ...) را به صورت خام صادر می‌کنید. آنها با تصرفاتی که در آن مواد می‌کنند، [همان را گران می‌فروشند]. جنسی که مثلاً با ۳ تومان وارد کشورشان شده است، روی آن خرج می‌شود و ۳۰ تومان برایشان در می‌آید تا مواد اولیه برای ساخت یک تکنولوژی می‌شود و بعد آن را به شما ۳۰۰ برابر می‌فروشند یا اگر مواد خام بخواهید، آن را تبدیل به رادیو و تلفن و ... می‌کنند و با ۳۰۰۰ برابر قیمت به شما می‌فروشند اما از طریق ایجاد تعرفه‌ها، گمرکها و قوانین حقوقی که در بانک تجارت جهانی می‌گذارند.

۲/۸. ابزارهای قدرت، عامل تحقق سیاست‌های شرکت‌ها و کارتل‌ها

حتی یک رابطه‌ی اجتماعی نیست که تضمین‌کننده منافع سرمایه‌دارها، کارتل‌ها و تراست‌ها نباشد. (این مثال در بخش تکنولوژی و علم و تحقیقات بود) حتی تصمیم بر جنگ و صلح - که شورای امنیت امضاء می‌کند - برای منافع پنج قدرت اول دنیا و دولت‌های سرمایه‌داری است. در غیر این صورت، «وتو» می‌شود. یعنی اگر شورای امنیت تصویب کرد که حق مظلومی را بگیرد، این کشورها آن را «وتو» می‌کنند. یعنی دستگاه سیاسی آنها برای ایجاد امنیت سرمایه و دنیاخواهی خودشان، تا مرز بحران - چه جنگ ایجاد کنند و چه بخواهند جلوی آن را بگیرند - پیش می‌روند.

۲/۹. مروری بر مظاهر بت‌پرستی مدرن

آیا این راه و رسم زندگی در سه حوزه‌ی «مدیریت سیاسی، اطلاعات و رفاه» را بپذیریم؟ آیا این سجده بر دنیا نمی‌شود؟ آیا این همان بت‌پرستی مدرن که امام فرمودند، نیست؟ ما هم شریک شویم در تمام مظلومی که در دنیا به وجود می‌آورند؟ فاصله‌ی طبقاتی که بین فقیر و غنی به وجود آمده، به نرخ مقروض بودن اینها به بانک جهانی و پرداخت نرخ ربا و به نرخ استعمار منابع اولیه اینها و به نرخ فرار مغزها و جذب استعدادهای همه‌ی دنیا [بوده است] که فریفته‌ی الگوی مصرفی که در چهار روز دنیایی خودشان در آن متمتع باشند، شدند و بیگاری فکری به کشورهای سرمایه‌داری دادند. کشوری هم که جرات کند و اعتراض کند، علیه او جنگ به راه می‌اندازد بوسیله همان سلاحها (موشکها، زیردریایی‌ها و...) که توسط ملت خودشان مواد اولیه و ابعاد مختلفش تهیه شده است. این را بر علیه خودشان استفاده می‌کنند.

پس معبدها و بتخانه‌ها، شرکتهای سرمایه‌داری دنیا شده‌اند و آن چیزی که در این معابد پرستش می‌شود، آثار ماده است! مظاهر آثار ماده، تنوع پوشاک و مسکن و کالاهاست و متنعم شدن به دنیا در هر روز به یک شکل. با چه تبلیغاتی بر سر مردم می‌کوبند؟ بوسیله هنر و فیلمها. یک زیبا شناسی دنیایی برای مردم درست می‌کنند و زمینه که مساعد شد، با غوغا سالاری سیاسی بر مردم حاکم می‌شوند و هر چهار سال یکبار و هر دوره‌ای مظهر جدیدی از دنیا را ارائه می‌دهند و مردم را به آن دعوت می‌کنند و همه تحت این بلیط می‌روند. منظور این است که حرص، حسد، اسراف و اخلاق رذیله، وصف «روابط اجتماعی» تمدن رنسانس است. گاه با تمدن اینگونه برخورد می‌کنیم که مظاهر بارزی از فساد را مثل: «هم‌جنس‌بازی، سکس، و ...» می‌بینیم و می‌گوئیم که این منافی دین هستند. اینها را می‌بریم و بعد می‌گوئیم بقیه چیزهایشان خوب است. گاه می‌گوئیم: نه! در جوهره‌ی تولید علم، دعوت

به دنیا است؛ یعنی رفع نیاز قشر سرمایه‌دار! طبقه سرمایه‌دار، سرنوشت و تولید نیاز بشر را به عهده گرفته است و می‌گوید شما نیازمند به آن اموری هستید که ما می‌گوئیم. آن هم نیاز در تسخیر طبیعت [است] و فقط به دنیا قائل است. تمام نزاع و جنگی که امیر المومنین (علیه السلام) با معاویه داشت، به خاطر این بود که او را مظهر اخلاق اشرافی‌گری و مظهر کفر می‌دید. اخلاق اشرافی‌گری [مظهرش معاویه بود]. اعرابی که دنیا را در مقیاس بادیه نشینی می‌دیدند و در آن غور و لذت می‌بردند، آن روز بیش از نیمی از دنیا را گرفته بودند و بر آریکه قدرت نشسته بودند و می‌خواستند روابط اجتماعی ایران و روم را به اسم دین، بر بشر حاکم کنند و از همان لذتها و مقیاس‌های جهانی ارتباط با دنیا استفاده کنند. امیرالمومنین (علیه السلام) هم با همین می‌جنگید و اسلام را منزله از این می‌دید که فاصله‌ی طبقاتی به اسم پول و سرمایه بر سرنوشت یک کشور حاکم شود و حضرت این را نسخه‌ی پیامبران و ادیان و اسلام نمی‌دانست.

۲/۱۰. چگونگی شکل‌گیری الگوهای مصرفی و مدیریتی (نظام‌های طبقاتی)

برای اینکه این تکنولوژی و این علوم تولید شود، سازمان امور استخدامی در کشورها، یک الگوی مدیریتی و یک الگوی مصرفی دارد. سرمایه‌دار حاکم بر مدیران و مدیران حاکم بر متخصصین و متخصصین حاکم بر تکنسین‌ها و تکنسین‌ها حاکم بر کارگرهای فنی - شاید این دو یکی باشند - و آنها هم حاکم بر کارگرهای ساده هستند. این نظام طبقاتی نظام سرمایه‌داری است. برای هر طبقه‌ای الگوی مصرف تعریف کرده است و بوسیله الگوی مصرف ایجاد حسد می‌کند و به وسیله حرص، تولید انگیزه می‌کند. چطور در دوران روم و ایران گذشته، گفتند: پادشاهان، موبدان و اینها را طبقه‌بندی می‌کردند و برای هر کدام حقی قائل می‌شدند و یک طبقه را بر دیگری مسلط می‌کردند. امروز هم الگوی گزینش در سازمان امور استخدامی تمام کشورها، علمی است و آن علمش را علم مدیریت، سازماندهی می‌کند و جوهره‌اش همین بود که عرض کردم.

۲/۱۰/۱. حرص و حسد، وصف نظامات سرمایه‌داری

با دو وصف «حرص و حسد» ایجاد انگیزه می‌کند و آمریت و ماموریت درست می‌شود. یعنی سرمایه‌دار به این وسیله قدرت فرمان دادن به مدیران را دارد، مدیران هم به این وسیله قدرت فرمان دادن به متخصصان را دارند و متخصصان قدرت فرمان به پائین‌تری‌ها را دارند. این یک اخلاق را ایجاد می‌کند: «اخلاق سرمایه‌داری». گاه شما می‌گوئید آنجا مشروب خوردن آزاد است و این خلاف دین است و گاهی می‌گوئیم بدتر از مشروب خوری [این است که] «پرورش مادی» می‌دهند. «حرص و حسد»، وصف نظامات آنها می‌شود. طبیعی است که افراد هم حسود و حریص بار می‌آیند.

۳. تنافی بت‌پرستی مدرن با راه و رسم انبیاء (ع)

ما نزاع داریم که «حرص و حسد» وصف تشکیلات و سازمانها شده است و این خیلی خطرناک‌تر از خلل و زلل یک عنصر است. «شرح صدر للكفر»ی که درست کرده‌اند، «سازمانی» است و سیاست و فرهنگ را خدمه‌ی اقتصاد قرار دادند و اینها با فرهنگ اسلام، فرهنگ قناعت، فرهنگ ایثار، فرهنگ شهادت و فرهنگی که دعوت به آخرت می‌کند و می‌گوید این دنیا ماندنی نیست و آن را مانند یک مزرعه ببین، خیلی فرق دارد و [این دو فرهنگ] در دو جهت درگیر و متضاد هستند. بت‌پرستی مدرن، سجده بر آثار ماده یعنی سجده بر رفاه و سجده بر تکنولوژی [است] و این تکنولوژی بدون یک میلیون رساله در آن واحد، به این نحو توسعه و تنوع پیدا نمی‌کند. سجده بر علوم [واقع شده] و این علوم بدون اینکه ایمان و شدت و حبّ به دنیا بالا نرود، تولید

نمی‌شود، این ایمان هم شرح صدرش در دستگاه نظام سیاسی، [بوسیله] تهدید و تطمیع در روابط بین‌الملل و روابط سیاسی داخلی [ایجاد می‌شود. البته] از طریق مطبوعات، رسانه‌ها و تحریک‌هایی که انجام می‌شود و تحقیر و تجلیل‌هایی که از عناصر سیاسی می‌شود، دائم خبرهای تجلیل از چهره‌ها بر فرهنگ و باورهای مردم کوبیده می‌شود. به رسم سرود ملی و تشریفاتی که در بدو ورود انجام می‌شود، استقبال‌هایی که از رجال سیاسی می‌شود و مجالس شامی که برپا می‌شود، کلیه تحقیر و تجلیل‌هایی که درباره یک رجل سیاسی در مسافرت به یک کشور انجام می‌شود و ادبیات گفتگویی که واقع می‌شود؛ معین می‌کند که رئیس‌جمهوری که وارد کشور شد، چقدر قدرت داشت و رئیس‌جمهور میزبان چقدر محتاج بود. همه‌ی گفتگو ختم به این شد که همه خواسته‌های رئیس‌جمهور قوی را بپذیرد و در عوض هم آنها مثلاً تکنولوژی تلفن را به اینها بفروشند و در صادرات، واردات یک تنفسی برای آنها ایجاد کنند. این سجده بر دستگاه سیاسی با اخلاق استکبار است.

چانه‌زنی بر سر دنیا برای منافع ملی، و منافع ملی را چه چیزی معین می‌کند؟ منافع سرمایه‌دارها، یعنی موازنه‌ی ارزی، چقدر آن کشور ثروتمندتر باشد و چقدر اطلاعات دنیائش بیشتر باشد و چقدر در نظام سیاسی دنیا حرفش بُرد داشته باشد، یعنی در شورای امنیت و مجامع بین‌المللی حرفش را به حساب آورند.

این کلاً با دستگاه انبیاء (علیه السلام) نمی‌سازد. اسلام در تمام وجوه حرف برای گفتن دارد. به کلیت این مطلب همه قائل هستند.

۴. وظیفه حوزه و دانشگاه در مقابل بت‌پرستی مدرن

ولی وظیفه‌ی ما چیست؟ یک میلیون رساله در روز نوشته می‌شود که یک دهم آن صد هزار تا می‌شود. در روز باید صد هزار رساله برای جریان ارزشهای دینی و مقابله با آثار سوء رفتار زندگی که بر بشر تحمیل کردند [بنویسیم] و این احتیاج به «انقلاب فرهنگی» دارد. برخورد حوزه‌های علمیه با معارف دینی از منظر انتزاعی باید بیرون بیاید و عقلانیت سیستمی و نظام‌مند تأسیس شود تا مقیاس استضائه از وحی عوض شود. منطق دانشگاه هم که حضور اطلاعات را در کارخانه‌ی تولید مفهومی، منحصر در امور حسّی می‌داند، [باید اصلاح شود به این صورت که] اول، امور حسّی در جایگاه تبعی قرار بگیرد و دوم باید عقلانیت دینی در منزلت فرعی قرار بگیرد و سوم، کلمات وحی در منزلت محوری و اصلی قرار بگیرد. منطق دانشگاه، این گونه بهینه می‌شود. لذا برای برطرف کردن اخلاق رذیله در اوصاف مدیریت و سازمان‌ها یعنی بهینه‌ی فلسفه‌ی مدیریت، فلسفه‌ی اندیشه و فلسفه‌ی تمدن، هر دو [منطق] باید بازنگری شود و یک برنامه ریزی درازمدت و مطلوب طراحی شود. تا آن موقع هم برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت [نیاز است] که زمینه برای تحقق این برنامه درازمدت شود.

باید توجه داشت که در هر عصری زمان و مکان امتحان مطرح است. دو اسم مقابل هم است. اسمی است باطل (کلمه باطل) که شیطان آنرا متنوع و متکثر می‌کند و هر روز یک برده و ضلالت دیگری را رودرروی بشر قرار می‌دهد و باید مومنین هم ابتدا آن را درک کنند و بفهمند به چه زبانی امروز خداپرستی مهجور شده و بستر طغیان پهن شده و بعد، امام زمان و امام وقت، امامی است که بتواند روبروی آن [بساط شیطانی] دستگاهی را برای افشاگری و از بین بردن بساط طغیان بسازد.

آیا این آیه مبارک (آیا شما فکر می‌کنید که شما را امتحان نمی‌کنیم) برای صدر اسلام است؟ برای مردمی بوده که امام حسین (ع) را کشتند؟ و ائمه اطهار (علیهم السلام) را مظلوم قرار دادند؟ و بعد از آن غیبت شد و دیگر امتحانات تمام شد؟! و امتحان برای زمان ظهور است؟! علماء اسلام حصن دین هستند و باید پرچمدار

توحید باشند و تفقه اقامه‌ی کلمه باطلی که توسط شیطان انجام شده را بفهمند و فهمش را متوجه شوند. یعنی بتوانند آیات الهی را بر مظهر کفر امروز درست تطبیق دهند و بعد برای آن چاره‌ای بیندیشند. این امتحان صد سال گذشته‌ی ما بوده که بوسیله‌ی فقهاء عظیم‌الشأنی که خدمتتان عرض کردم به اینجا رسیده‌اند که با اتکال به قدرت خدای متعال، یک حکومت ایجاد کنند و گرنه به هیچ وجه نمی‌شود به صورت گروهی و اقلیت، «دین» صیانت داشته باشد. چون کفر، حضورش را در تمام عالم بصورت سازمانی و حکومتی شکل می‌دهد. (در این صورت) شما قطعاً وظیفه قیام و ایجاد یک حکومت را دارید. حالا دوران این صد ساله گذشت و در این میان مردم خون دادند، شکنجه شدند، تبعید شدند و گذشتگان ما فلاکت‌های زیادی کشیدند. حال وظیفه‌ی ما این است که عزت اسلام را در پرتو کلمه‌ی توحید حفظ کنیم. حفظ دین به این وسیله است که راه و رسم زندگی غربی به شکل تالیفی و ترکیبی یا راه و رسم شرقی را بدون دقت و بدون توجه به باطن آن [مطرح کنیم] و صرفاً بگوییم مربوط به عقلاء است و نرخ کالاها در بازار و قیمت سوقیه تعیین می‌شود؟! اینگونه نیست. باید دقت کنیم. امتحانی که در این صحنه با آن مواجه هستیم، [شناخت] مظاهر قدرت کفر [است].

آیا قدرت کفر، به شکل بت پرستی در هند است. آنجا معبد دارند و یک عده گاو می‌پرستند و یک عده بت می‌پرستند. مظهر قدرت اینها هستند؟ در فرودگاه‌های لندن و نیویورک روزانه شش میلیون نفر خارج و شش میلیون نفر وارد می‌شوند. به چه خاطر است؟ یا برای درس است یا برای تجارت است یا برای فیلم است و [برای] نیازهایی است که بشر به آنها [احتیاج] دارد. چه معبد و سجده‌ای بزرگ‌تر از این است؟ آیا دین و دینداران باید اینگونه نیازمند آنها باشند؟ این آیات قرآن چه می‌گوید؟ «با کافران دوستی نداشته باشید و خودتان آقای خودتان باشید». آیا برای افراد است؟ آیا برای امور خرد و داخلی زندگی است؟ اصلاً می‌شود فرد، سالم بماند؟ آیا شیعیانی که تحت ظل علماء هستند، ایتم محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) نیستند؟ حصن اینها نیستند؟ یا متکفل سالم ماندن خود و فرزندانشان هستند؟ «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» تعیین نمی‌کند که رسالت ما فردی و خانوادگی نیست؟ معین نمی‌کند که رسالت جهانی و منطقه‌ای داریم؟ خصوصاً که حضور آنها را در همه‌ی شئون ببینید و آنها اصلاً مقدرات ما رابه بازی بگیرند و بیت المقدس حمله کنند و هیچ چیزی برای بیضه‌ی اسلام باقی نگذارند.

این امتحان است و [در] هر عصری، امتحانات، یک زمان و یک مکان دارد. این که می‌گویند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد هستند» منظور اجتهاد در استخراج احکام فردی نیست. زمان و مکان یعنی: تفقه در اقامه‌ی کلمه‌ی حق، که اگر انجام نشود، روی عمل به احکام فردی، موضوعاً خط می‌زنند و آن را منزوی می‌کنند. مثل دوران شاه که مردم پول در می‌آوردند و آنرا خرج سفرهای اروپایی می‌کردند که خوش بگذرانند. الان که حکومت اسلامی تشکیل شده، مردم پول در می‌آورند و موج‌موج سفر مکه و مدینه و کربلا می‌روند. این به خاطر خیمه‌ای است که در دفاع از کلمه‌ی حق به وجود آمده است. نمی‌شود که حکومت کفر باشد و امیالش را در تمام وجوه تبدیل به فرهنگ و نظام ارزشی نکند؛ اگر این جور شود معلوم است که هیچ چیز از ارزش‌های دین باقی نمی‌ماند. سلطه، فقط سلطه‌ی نظامی نیست و بدتر از سلطه‌ی نظامی، سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی است که ما بیگاری به کفر بدهیم و بدتر اینکه خودمان هم نفهمیم که داریم بیگاری می‌دهیم! این مسئله‌ی خیلی خیلی مهمی است. روشن شدن اینکه بندگی و عبادت در عصر حضرت موسی (علیه السلام) در تطبیق به مصداقش و فهم شیطنت-هایی که شیطان می‌کند، با عصر حضرت عیسی (علیه السلام) فرق می‌کند. ممکن است که بگویید یک قواعد عام و کلی داشته، ولی وظیفه‌ی امام هر زمانی این تطبیقها است و معین کردن اینکه پرستیدن گوساله‌ی سامری باعث ضلالت شما خواهد بود و اینکه با موضوع برخورد کند و موضع داشته باشد. حضرت امام خمینی شاه را مظهر کفر دید و درست بعد از اینکه شاه رفت، مظهر کفر (غرب) بود که در مقابل ما قرار گرفت. بعد

از این هم اگر اسلام بخواهد بگوید من از طرف خودم برای عدالت اجتماعی برنامه دارم (و نه عدالت در زندگی فردی)، نمی تواند عدالت را در موضوع برنامه و موضوع توسعه - چه عدالت سیاسی، چه عدالت فرهنگی و چه عدالت اقتصادی - تعریف نکند و علاوه بر تعریف، چگونگی تحقق و نظام سازیش را تحویل ندهد. این امتحان است.

والسلام علیکم و رحمت ا...